

حضور در پکن افسانه‌ای بود

صمد نیکخواه بهرامی: قول یک سورپرایز در توکیو را می‌دهم

صمد نیکخواه بهرامی، در تاریخ بسکتبال ایران بازیکن خاص و ویژه‌ای است. بازیکنی برجسته از نسل طلایی بسکتبال ایران که تقریباً در تمام روزهای مهم و درخشان این رشته در دودهی گذشته حضور داشته و حالا در اوج پختگی قرار است دومین المپیک‌اش را تجربه کند. او که در سال‌های میانی دهه‌ی بیست عمرش در بازی‌های ۲۰۰۸ پکن به میدان رفت و حالا در اواخر دهه‌ی سی زندگی‌اش همانقدر با انگیزه در تیم ملی بازی می‌کند و انتظار حضور در توکیو را می‌کشد. همین ماجرا هم بهانه‌ای بود برای گفت‌وگو با او، تا هم از خاطره‌های پکن برایمان بگوید و هم به المپیک پیش رو بپردازیم؛ المپیک‌ی که کاپیتان می‌گوید تیم ایران در مقابل قدرت‌های گروه اول، به هیچ وجه دست‌وپایسته نیست و اگر اتفاق خاصی نیفتد، می‌تواند شگفتی‌ساز هم باشد.

آسیا هم هیچوقت قول ندادم که همه را می‌بریم و قهرمان می‌شویم! با این حال معتقدم سایر تیم‌ها کار خیلی خاصی نمی‌کنند که ما نتوانیم انجام دهیم. به خاطر همین قول این را می‌دهم که بالاخره یک سوپرایز خوب داشته باشیم. حالا این شگفتی می‌تواند یک بازی خیلی خوب با نتیجه‌ی خوب باشد و با حتی هم یک پیروزی بزرگ و مهم. کار خیلی سختی است، اما شدنی است و با توجه به شناختی که از تیم دارم می‌توانم این قول را بدهم.

در توکیو یکی از تیم‌های همگروه با ایران، فرانسه است که در ۲۰۱۴ تا یک قدمی‌اش رفتیم.

بله، همینطور است. همان اتفاق نشانه‌ای است که می‌شود حالا با تجربه و قدرت بیشتر تکرارش کرد و شاید نتیجه‌ی بهتری هم گرفت.

و در نهایت شاید هیجان انگیزترین رقابت ایران در المپیک، مقابل آمریکا. تیمی که شاید اگر با تیم سومش هم بیاید، رقابت خیلی جذابی خواهد بود. نظرتان درباره‌ی آن مسابقه چیست؟

من اینطور فکر نمی‌کنم که آمریکایی‌ها با تیم سوم و دوم بیایند. شاید گاهی اوقات در رقابت‌های جهانی

دنیایا گشتیم و حدود هجده بازی خوب با تیم‌های بزرگ دنیا انجام دادیم. در استرالیا و یکی، دو تورنمنت خوب بازی کردیم و از این نظر مشکل چندانی نداشتیم.

در آن دوره هم مثل همیشه حرف‌وحديث‌هایی درباره‌ی تیم اعزامی به المپیک بود و برخی بازیکنان که در رویداد کسب سهمیه بودند، نتوانستند به المپیک برسند. در این دوره هم شاید برخی مدعی باشند بشود ترکیب دیگر و شاید جوان‌تری را به توکیو فرستاد. نظرت در این باره چیست؟

اصطلاح‌هایی مانند جوانگرایی را به غلط استفاده می‌کنند. همین حالا اگر منظورشان من و حامد هستیم، باید بازیکنی باشد که بیاید و ثابت کند که از ما بهتر است و در آن صورت به طور قطع کادر فنی که دنبال بهترین‌هاست، انتخابشان خواهد کرد. برای هر رویدادی، دوازده نفر انتخاب می‌شوند که از نظر سرمربی بهترین‌ها هستند و حالا شاید هم یکی، دو نفر در این میان بتوانند جایگزین شوند، اما در نهایت آنقدرها از واقعیت دور نیست.

برسیم به این المپیک. در آن دوره به عنوان قدرت نوظهور آسیا به

همه با ستاره‌های NBA عکس می‌گرفتند!

صمد نیکخواه: خیلی‌ها پس از مراسم رژه‌ی المپیک پکن ایراد می‌گرفتند که چرا بچه‌های ایران با ستاره‌های NBA عکس یادگاری گرفتند. باید بگویم که در آن مراسم، همه‌ی ورزشکاران دنیا و از همه‌ی رشته‌ها به دنبال عکس گرفتن با آنها بودند. ستاره‌های آمریکایی بسکتبال NBA همیشه تافته‌ی جدا بافته هستند و تنها گروهی هستند که هیچگاه در دهکده‌ی بازی‌ها مستقر نمی‌شوند. در آن دوره، برای تیم جوان ما هم رژه رفتن در کنار آنها جذاب بود و مثل همه با آنها عکس یادگاری گرفتند.

المپیک رفتید، اما حالا شرایط خیلی متفاوت است. اینطور نیست؟

تیم امروز بسکتبال ایران برای خودش اعتباری دارد و جایگاه قابل اعتنايي دارد. سه دوره جام جهانی و یک المپیک را در کارنامه دارد و با تجربه‌ی زیادی که کسب کرده است، با شرایط بسیار متفاوت و بهتری وارد المپیک می‌شود. به نظر در این دوره از لحاظ تجربه که خیلی بهتر هستیم و قدرت بیشتری هم داریم.

در دوره‌ی قبل المپیک در گروه شش تیمی حضور داشتیم که با پنج باخت کارمان تمام شد. در این دوره گروه‌مان چهار تیمی است، اما باز هم با تیم‌هایی همگروه هستیم که ممکن است شانس برد را از ما بگیرند.

قبل از هر چیز باید حواسمان باشد که در المپیک تنها دوازده تیم حاضر هستند. فکرش را نکنید که در جام جهانی، ۳۲ تیم برتر جهان حاضر هستند اما در بسکتبال از فیلتری عجیب و غریب عبور می‌کنند و دوازده تیم به المپیک می‌رسند. پس به قطع شرایط خیلی دشوارتر است. با تمام اینها و اینکه کار خیلی سختی داریم، اما قول می‌دهم که از پیش بازنده نیستیم. من خودم که اینطور نیستم و مطمئنم بقیه بچه‌ها هم همینطور فکر می‌کنند.

یعنی قول یک برد را می‌دهید؟
قول برد که نمی‌توانم بدهم. من در

ببینید رقابت‌هایی در سطح جهانی و المپیک و حتی قهرمانی آسیا، جای بهترین‌هاست و متأسفم برای کسانی که خودشان را کارشناس می‌دانند، اما شناخت درستی از وضعیت تیم‌ها ندارند. درباره‌ی آن دوره خیلی دقیق یادم نمی‌آید چه مسائلی بر روی انتخاب تیم نهایی تأثیرگذار بود اما به ترتیب، ترومن، با برخی از نفرت سهمیه گرفته بود و خودش هم تیم را برای المپیک بست. شاید اگر قرار بود من تصمیم بگیرم، ترکیب دیگری می‌چیدم، اما او سرمربی بود و آن تیم را به پکن فرستاد. در مجموع، به نظر من تیم ملی بسکتبال و بهترین نفرت، همان‌هایی بودند که اعزام شدند و در همه‌ی تورنمنت‌ها همین اتفاق می‌افتد.

برای توکیو هم به نظرت همین شرایط حاکم است؟

ببینید برخی

اگر موافق باشید برگردیم به همان سیزده سال پیش و کسب سهمیه‌ی المپیک؛ اتفاق بزرگی که شاید آرزویی بود که خیلی زود محقق شد. درباره‌ی آن روزها برایمان بگویید.

شاید بهترین تعبیری که می‌توانم برای آن اتفاق به کار ببرم، لفظ «افسانه‌ای» باشد. آن حضور واقعا افسانه‌ای بود. قبل از تمام شدن فینال قهرمانی آسیا، هیچ پیش‌زمینه و تصویری از حضور در المپیک نداشتیم و بعد از قهرمانی بود که تازه فهمیدیم چه اتفاق بزرگی افتاده است.

و یک سال بعد المپیک را تجربه کردید.

بله. المپیک جایی است که به نظر من ارزش این را دارد که یک ورزشکار همه‌ی توان و نیرویش را بگذارد تا به آن برسد. بزرگ‌ترین رویداد ممکن در همه‌ی رشته‌های ورزشی است و تجربه‌ی آن برای هر ورزشکاری، جزو بزرگ‌ترین آرزوهاست.

به عنوان کسی که در جوانی المپیک را تجربه کرده‌اید، شرایط و شناخت یک ورزشکار قبل و بعد از المپیک چقدر فرق می‌کند؟

یکی از ابعاد بزرگی و اهمیت المپیک این است که تنها حضور در آن، زندگی و دیدگاه به آن را هم عوض می‌کند. حضور دو هفته‌ای در دهکده‌ی بازی‌ها، آن هم در کنار بهترین ورزشکاران حال حاضر دنیا، تمام‌اش درس است. اشک‌ها، لبخندها و رفتارهایی می‌بینید که همگی کلاس درس است و نگرش انسان را به ورزش، زندگی و حتی دنیا تغییر می‌دهد.

تیم ایران در شرایطی المپیک‌ی شد که به تازگی اولین قهرمانی‌اش را در آسیا تجربه کرده بود و هنوز تجربه‌ی حضور در هیچ رویداد جهانی را نداشت.

تجربه‌ی جهانی که خب نداشتیم، اما در حد فاصل آسیایی تا المپیک، با کمک فیبا و البته تلاش فدراسیون و کمیته، تدارک بسیار خوبی داشتیم. در دو، سه ماه منتهی به المپیک، تقریباً دور

